



بهبشت از آن معلمان پیش دبستانی است خاطرات یک مربی مرد در دوره پیش از دبستان

دبستان شهید مدرس حاجی کلا - محمودآباد مازندران
محمد باقر نوریان لایبی

اشاره

بیان خاطره‌ها و یادها همیشه نگاهی مهربان به کارهای مربیان سخت‌کوش و دلسوز است. در این جا نیز یک مربی مرد تجربه خود را مطرح کرده است. البته ناگفته نماند چگونگی روش در این جا مد نظر نیست، بلکه تلاش برای درک کودکان مهم‌تر است؛ با هم می‌خوانیم.

کردم

نتوانستم، اما یکی از دانش‌آموزانم با در آوردن یک موز از داخل کیفش و چسباندن آن با دستش به تخته کلاس، نزدیک‌ترین روش همه فهم و مجسم حرف «ر» را به من آموخت... یا یادم نمی‌رود در یکی از روزهای تدریسم درباره مصوت «او» به بچه‌ها گفتم «او» مثل چی؟ همه شاگردان چیزهایی مختلف گفتند و البته درست! در این میان یکی از بچه‌ها در پاسخ به درخواست من گفته بود «شغال»! اما این‌را که شغال چه ارتباطی با صدای (او) داشت، تا چند سال متوجه نشده بودم که این یکی از دانش‌آموزانم گفته بود! تا این که روزی همراه خانواده برای استراحت به منطقه‌ای خوش آب و هوا و ییلاقی رفته بودم... شب هنگام صدای آوووی زوزه شغال تداعی گر آن روزی بود که شاگردم در مصوت «او» صدایی که از شغال را در ذهنش داشت، به من گفت و من چه ساده کلمه او را اشتباه خواندم!... یا روزی دیگر که خانواده‌ای از دانش‌آموزانم به دنبال راهنمای دارویی یکی از شربت‌هایش می‌گشت و می‌گفت که حتماً در کیف پسرش قرار دارد. وقتی به اتفاق این مادر کیف شاگرد را باز کردیم، متوجه شدیم که دور تمام نشانه‌هایی که تا به امروز آموزش دیده است با مداد قرمز خط کشیده و راهنمای دارو را به‌عنوان تکلیف به کلاس درس آورده و این راهنما تا به امروز مثل خاطره‌ای ماندگار در دفتر یادگاری من از آن روزها ثبت و ضبط شده است. آری، کار با شاگردان سرشار است از درس‌ها نکته‌های آموزنده و تجربه‌ساز، آن هم شاگردان ۶ ساله پیش دبستانی. و امروز بسیار خوشحالم که در همان سال‌های نه‌چندان دور این عبارتهای محکم و به یاد ماندنی را در وصف شاگردانم نوشته بودم که «من خدمتگزار بیست دانش‌آموزی هستم که وجود یکایک آن فرشتگان سرشار از عشق، معصومیت، هوش، زندگی و لطافت بوده و خواهد بود!

مطالبی که برایتان می‌نویسم متعلق به زمان‌هایی است که در پیش دبستانی به‌عنوان مربی، مشغول به تدریس بودم. سال‌هایی سخت و طاقت‌فرسا، آن هم برای یک مرد! شاید تعداد مربیان مردی که با شاگردان پیش دبستانی کار کرده‌اند، به تعداد انگشتان یک دست نرسد! بالاخره حقوق کم، توقع زیاد والدین و مدیر و بی‌توجهی مسئولان اداری آن هم به کسانی که سخت‌ترین کار دنیا را دارند! در واقع قبل از معلمان پایه اول در اولویت قرار دارند. و بی‌شک اگر قرار باشد در میان پنج پایه ابتدایی، بهشت را مختص معلمان اول بدانند، سهم مربیان پیش دبستانی در این کارزار هم چیزی کمتر از آن‌ها نبوده و نخواهد بود. همیشه کار معلمان آمادگی و پایه را با کار هنرمندان تئاتر در برابر هنرمندان تلویزیون یا سینما مقایسه کرده‌ام. یادش به خیر، چه روزهای شیرینی که در کنار شاگردانم در پیش دبستانی به درس‌ها و تجربه‌های ارزشمندی رسیدم و اکنون که به‌عنوان معلم پایه به خدمتگزاری مشغول هستم، از این تجربه‌ها به‌عنوان سندهای ارزشمند و گران‌قیمتی استفاده می‌کنم! یادم نمی‌رود روزی که قرار بود حرف (ر) را درس بدهم و به دنبال روشی و معرفی شئی بودم تا درس را بهتر تفهیم کنم. هر چه فکر